

تأثیر روند دولت - ملت سازی بر ثبات سیاسی و سیاست خارجی عربستان سعودی

کریم امینی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۵/۱۰

تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۸/۱۲

صفحات مقاله: ۱۷۶-۱۵۵

چکیده

حاکمیت اعراب سنتی و فقدان مشارکت شیعیان و کردها در قدرت سیاسی عراق عمده‌ترین مانع بر سر راه شکل‌گیری دولت - ملت در دهه‌های گذشته بوده است. تلاش برای ایجاد و ساختار سیاسی جدید در عراق به منظور ایجاد یک دولت سرمشق در عراق باعث کاهش قدرت اعراب سنی در ساختار جدید حکومت در عراق شده است. روند دولت - ملت‌سازی در عراق و چالش‌ها و موانع مربوط به آن به تعارضات و مشکلات داخلی این کشور محدود نمی‌شود. و همسایگان و کشورهای منطقه و بازیگران بین‌المللی نیز در آن دخیل می‌باشند. کشورهای عربی شکل‌گیری یک نظام دموکراتیک با حاکمیت اکثریت شیعی را در جهت تضعیف اعراب سنی تلقی می‌کنند و از قدرت‌یابی شیعیان و برهم خوردن توازن قدرت منطقه‌ای نگران هستند. عربستان سعودی نیز از جمله کشورهای منطقه است که دارای نظام سیاسی بسته‌ی پادشاهی و مبتنی بر مشروعیت وهابی و اقتصاد نفتی است در این کشور احزاب حق فعالیت ندارند و برخی از گروه‌ها، نظیر شیعیان و برخی شهروندان مانند زنان از حقوق اجتماعی اولیه محرومند. لذا دولت - ملت‌سازی

۱ - کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

در عراق و طرح الگوی دموکراتیک به عنوان محیط برون سیستمی عربستان بر ثبات سیاسی این کشور تأثیرگذار می‌باشد.

* * * * *

کلید واژگان

دولت - ملت‌سازی در عراق، حاکمیت مبنی بر دموکراسی، اعراب سنی، قدرت-یابی شیعیان، حکومت بسته‌ی عربستان، گرایش‌های سلفی

طرح مسئله

روند دولت - ملت‌سازی در عراق جدید بعد از فروپاشی رژیم بعث توسط نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا از تأثیرگذارترین مسائل منطقه‌ای بوده است که بر شرایط و تحولات اغلب کشورهای همسایه‌ی عراق تأثیر داشته است. «عربستان سعودی» به عنوان یکی از تأثیرگذارترین کشورهای عربی در - محیط امنیتی ج.ا.ا - شاهد تأثیرات جدی و مهمی از سوی تحولات عراق بوده است و هر گونه واکنش و رویکرد این کشور در قبال تحولات مذکور در آینده منطقه نقش عمده‌ای خواهد داشت.

در این نوشتار سوال اصلی تأثیرات دولت - ملت‌سازی در عراق جدید بر ثبات سیاسی عربستان سعودی می‌باشد و این فرضیه مورد بررسی قرار گرفته است که روند دولت - ملت‌سازی در عراق جدید به واسطه‌ی تقویت و تعمیق مطالبات شهروندی در مقابل دولت و افزایش اختلافات سیاسی - اجتماعی و داخلی باعث تزلزل در ثبات سیاسی این کشور می‌شود.

در ابتدای این پژوهش روند دولت - ملت‌سازی در عراق جدید و ابعاد و ویژگی‌های آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش بعدی، به مسائل جامعه‌شناختی عربستان بویژه روابط دولت و گروه‌های اجتماعی و ثبات سیاسی در این کشور پرداخته می‌شود. در پایان نیز تأثیرات روند دولت - ملت‌سازی در عراق جدید بر ثبات سیاسی و سیاست خارجی عربستان مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

ابعاد و ویژگی‌های دولت - ملت‌سازی در عراق جدید

دولت - ملت‌سازی فرآیندی است که به دوره‌ی مدرن تعلق دارد و طی آن دولت - ملت به عنوان شکل جدیدی از ساختار سیاسی شکل گرفت. «ملت‌سازی» روندی محسوب می‌شود که طی آن زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری و تعمیق هویت سیاسی مشترک و احساس تعلق ملی به یک چارچوب سرزمینی ایجاد می‌شود. این روند به حذف تدریجی احساس تعلق به ارزش‌های محلی و ایجاد یک دولت دموکراتیک بر اساس اراده‌ی عمومی مردم کمک می‌کند. با موفقیت در روند ملت‌سازی و ایجاد انسجام اجتماعی در یک سرزمین، روند «دولت‌سازی» آغاز می‌شود که مرحله‌ای تکمیلی برای دستیابی به حاکمیت در راستای هدف اعمال قدرت مشروع و اقتدار است. (Kazemi, 2005: 9)

شکل کامل و واقعی پدیده دولت - ملت در جهان غرب قابل مشاهده است، اما در اغلب «کشورهای جهان سوم» بویژه در «منطقه‌ی خاورمیانه» دولت - ملت به معنای واقعی آن هنوز شکل نگرفته است و وابستگی به هویت‌ها و فرهنگ‌های قومی و محلی از احساس تعلق به «واحدهای ملی» بیشتر است. عراق از جمله‌ی این کشورها به شمار می‌رود که بعد از جنگ جهانی اول با پیوستن سه ایالت عثمانی با مشخصه‌ها و فرهنگ‌های نسبتاً متفاوت، یعنی؛ «بصره، بغداد و کردستان» توسط انگلستان ایجاد شد. حاکمیت اعراب سنی و فقدان زمینه‌های مشارکت شیعیان و کردها در قدرت سیاسی عراق و در نتیجه‌ی تلاش دولت برای ایجاد نظام سیاسی بر مبنای سیاسی، هویتی و فرهنگی تک بعدی، عمده‌ترین مانع برای شکل‌گیری دولت - ملت در این کشور طی دهه‌های گذشته بوده است. فروپاشی رژیم بعث و ایجاد زمینه‌های لازم برای مشارکت اکثریت شیعی و کردها در روند سیاسی عراق باعث آغاز روند دولت - ملت‌سازی در این کشور شد. این روند طی چند سال گذشته با چالش‌ها و موانع متعددی روبه‌رو بوده است که اغلب آنها از عوامل و زمینه‌های از پیش موجود و برخی نیز از «عوامل

ساختاری منطقه‌ای» و ایستارهای سیاسی - اجتماعی درون عراق ناشی می‌شود. مجموع عوامل فوق باعث شده است که روند دولت - ملت‌سازی در عراق جدید با ابعاد و ویژگی‌های خاصی همراه باشد که می‌توان پیش‌بینی نمود تا سالیان سال مسائل و تحولات منطقه‌ی استراتژیک خاورمیانه را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

دگرگونی در ساختار قدرت و امنیت

دولت - ملت‌سازی روندی است که طی آن گروه‌های اجتماعی در روند سیاسی مشارکت می‌کنند و این مشارکت باعث افزایش احساس تعلق گروه‌های قومی - مذهبی مختلف به کشور و مشروعیت حاکمیت می‌شود. در حالی که مشخصه‌ی اصلی رژیم بعثی عراق و دولت‌های قبل از آن حاکمیت توتالیتر، اقتدارگرایانه و حل و فصل اختلافات به واسطه‌ی زور بوده است. فروپاشی رژیم بعثی به نهادینه شدن مشارکت تمامی گروه‌های اجتماعی در روند سیاسی و دگرگونی در ساختار قدرتی شد که هویت عراق را بر مبنای پان عربیسم مبتنی بر مذهب سنی و آموزه‌های حزب بعث تعریف می‌کرد.

تلاش برای ایجاد ساختار سیاسی جدید در عراق بر اساس مشارکت تمامی جوامع و گروه‌های اجتماعی در راستای طرح‌ها و سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا به منظور ایجاد یک دولت سرمشق در عراق بر مبنای قواعد و شیوه‌های دموکراتیک در جهت تغییرات بنیادین در خاورمیانه و همچنین اهداف و منافع اکثر گروه‌های عراقی از جمله شیعیان و کردها تعریف گردید. در دوره جدید انتخابات مختلفی از جمله؛ مجمع ملی انتقالی، مجلس نمایندگان و همچنین همه‌پرسی قانون اساسی برگزار شده است. در دو انتخابات مجمع ملی و مجلس گروه‌های شیعی بیشترین کرسی‌ها را از آن خود ساختند و کردها نیز به نسبت جمعیت خود اکنون حدود یک پنجم کرسی‌ها را در اختیار دارند. این روند باعث کاهش قدرت اعراب سنی در ساختار جدید قدرت و مخالفت آنها با روند

سیاسی شد. در قانون اساسی دائمی جدید عراق نیز ساختار سیاسی دموکراتیک و فدرالی تعریف شده است و جزئیات این قانون (به عنوان متمم) نیز در حال بحث و بررسی است.

تحول عمده‌ی دیگر دگرگونی ساختار امنیت در کشور عراق در دوره‌ی جدید است، که تاکنون مشکلات فراوانی را برای شهروندان، دولت ملی و همسایگان عراق ایجاد نموده است. بخشی از موانع و مشکلات دولت - ملت‌سازی در عراق جدید به حاکمیت دولت اقتدارگرا در این کشور طی دهه‌های گذشته و شکل‌گیری سازمان‌ها و بروکراسی‌های نظامی و امنیتی سرکوب‌گر مربوط است. روند جدید مستلزم پاکسازی و انحلال سازمان‌های پیشین و ایجاد ساختارهایی جدید برای ایجاد امنیت در جامعه بود. (Dobbins, 2003: 159)

انحلال ارتش و سازمان‌های نظامی و امنیتی رژیم بعث از یک سو و شورش ناراضیان سلفی سنی از سوی دیگر باعث شکل‌گیری چرخه‌ی دامنه‌دار ناامنی در عراق شده است، به گونه‌ای که امنیت به عنوان اصلی‌ترین دغدغه‌ی مردم عراق مطرح شده و این امر باعث گرایش به ساختارهای جدید فرقه‌ای و قومی برای تأمین امنیت شده است. ناتوانی دولت در امنیت‌سازی در سطح جامعه در سال‌های اخیر و گسترش خصومت‌های فرقه‌ای باعث شده است که مردم عراق برای امنیت، توجه خود را به سوی ساختارهای گروهی قومی یا مذهبی معطوف نمایند. (Noah Feldman, 26/2006) علاوه بر آن استمرار حضور نیروهای اشغالگر در عراق - ضمن اینکه به بهانه‌ی استمرار خشونت‌های غامض و پیچیده ادامه دارد - اما خود یکی از عوامل اصلی ادامه خشونت‌های کنونی عراق ارزیابی می‌شود.

گسترش تعارضات و اختلافات گروه‌های اجتماعی

آنچه که در روند دولت - ملت‌سازی محور قرار می‌گیرد، افزایش انسجام بین گروه‌های اجتماعی مختلف و تقویت فرهنگ و گرایش‌های ملی به جای هویت‌های محلی است، اما روند تحولات عراق در سال‌های اخیر نه تنها به

تقویت همگرایی و انسجام بیشتر منجر نشده است، بلکه تعارضات، اختلافات و خشونت‌های بیشتری در میان گروه‌های عراقی ظاهر شده است. نظام سیاسی اقتدارگرا و سرکوبگر عراق در دوره‌های گذشته مانع از مطرح و آشکار شدن درخواست‌ها و گرایش‌های گروه‌های اجتماعی شد و اکنون رهبران شیعیان و کردها فرصت یافته‌اند تا منافع، هویت و تقاضاهای جوامع خود را نمایندگی نمایند و این امر باعث آشکار شدن ناهمخوانی و تناقض بسیاری در اهداف، آرمان‌ها و منافع آنها شده است.

مهم‌ترین خواسته‌ی کردها در عراق؛ تحکیم ساختار فدرالی در این کشور، الحاق کرکوک به منطقه‌ی کردستان و مشارکت مؤثر در قدرت دولت مرکزی بوده است. گروه‌های شیعی دستیابی به سهم بالا و مؤثری از قدرت سیاسی بر مبنای نسبت جمعیتی خود و ایجاد امنیت و ثبات در عراق به عنوان گروه مسلط در حاکمیت را مدنظر داشته‌اند، اما گروه‌های سنی برای جلوگیری از تسلط شیعیان ابزارهای گوناگون و مخالفت با اقداماتی چون؛ بعثی‌زدایی و فدرالیسم بویژه در جنوب را از اهداف و برنامه‌های اصلی خود قرار داده‌اند، از این رو اغلب مردم عراق بیش از آنکه سقوط صدام را فرصتی برای ایجاد دموکراسی در این کشور تلقی نمایند، شرایط جدید را زمینه‌ای برای بازسازی توزیع قدرت در میان گروه‌های اجتماعی عمده‌ی عراق تصور می‌کنند. (Nasr, 2006: 1)

تعارضات و اختلافات موجود در اهداف و منافع گروه‌های اجتماعی و فقدان زمینه‌های مصالحه و همگرایی بین گروه‌ها، فقدان سنت مدنی دموکراسی و سهم‌دهی در عرصه‌ی قدرت، زیاده‌خواهی اقلیت اهل سنت با توسل به کشورهای عرب سنی و ذهنیت چندین دهه حاکمیت در عراق، سابقه حل و فصل اختلافات با استفاده از ابزار زور و خشونت از سوی حکومت و گروه‌ها و مداخله‌ی عوامل و بازیگران خارجی در منازعات درونی عراق، به عدم موفقیت کامل روند دولت - ملت‌سازی در عراق و استفاده‌ی فزاینده از خشونت توسط

گروه‌ها منجر شده است. منطق متناقض خشونت گروهی و فرقه‌ای باعث شکست تلاش‌های گوناگون برای مدیریت روند سیاسی و شرایط امنیتی عراق شده است و حس تنفر و انتقام‌جویی در بین گروه‌ها در حال افزایش است. (Marc Lynch, 2006)

فضای خشونت‌گرایی و توان گروه‌های شورشی برای ایجاد ناامنی در عراق جدی و مداوم خواهد بود، به گونه‌ای که برخی بر این باورند عراق در دهه‌ی آینده هنوز به عنوان دولتی ضعیف و شکننده خواهد بود. (Clowson, 2006)

منافع و ملاحظات بازیگران خارجی

روند دولت - ملت‌سازی در عراق و چالش‌ها و موانع مربوط به آن تنها به تعارضات و مشکلات داخلی این کشور محدود نمی‌شود، بلکه اغلب بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های فرامنطقه‌ای در عراق اهداف و منافع خاصی را دنبال می‌کنند که عمدتاً در تعارض با هم قرار دارند. این عامل سبب پیچیدگی و دشواری فزاینده‌ی روند دولت - ملت‌سازی در عراق شده است و فقدان اجماع درخصوص تحولات و ساختار سیاسی آینده عراق در میان بازیگران ذی‌نفع خارجی به تداوم تعارضات و خشونت‌های داخلی در این کشور منجر می‌شود. ایالات متحده‌ی آمریکا، کشورهای عربی، ترکیه و ایران به عنوان اصلی‌ترین کشورهای ذینفع در جریان تحولات عراق، هر کدام دارای اهداف و منافع در عراق هستند و با گروه‌های مختلفی پیوند و همگرایی دارند. آمریکا خواستار ایجاد توازن قوا بین گروه‌های عراقی و ممانعت از تسلط یک گروه و هدایت روند سیاسی توسط آن، حمایت از گروه‌های سکولار - لیبرال در مقابل گروه‌های اسلام‌گرا بویژه اسلام‌گرایان شیعی متمایل به ایران و ایجاد دولتی میانه‌رو و سازگار با منافع آمریکا و اسرائیل در منطقه است. در این راستا، آمریکایی‌ها بعد از عدم موفقیت در به قدرت رساندن گروه لیبرال «ایاد علاوی» و پیروزی

اسلام‌گرایان شیعی (ائتلاف عراق یکپارچه) متمایل به ایران، تقویت گروه‌های سنی را مد نظر قرار داده‌اند. (اسدی، ۱۳۸۴: ۱۸۷)

ترکیه، سوریه و ج.ا.ایران درخصوص افزایش قدرت کردها و احتمال استقلال کردستان در آینده و پیامدهای آن برای امنیت داخلی خود نگران هستند. منافع ایران در شکل‌گیری نظامی با ثبات، یکپارچه و غیر نظامی در عراق و افزایش قدرت شیعیان این کشور قرار دارد. اما افزایش قدرت و خودمختاری نسبی کردهای عراق در جهت منافع و امنیت ملی این کشور نیست. همسایگان عرب عراق به همراه سایر کشورهای عربی چون مصر و بحرین شکل‌گیری یک نظام دموکراتیک یا حاکمیت اکثریت شیعی را در جهت تضعیف اعراب سنی به عنوان متحدین طبیعی خود در عراق و افزایش قدرت منطقه‌ای شیعیان تلقی می‌کنند. (Beehner, 2006)

منافع بازیگران خارجی در عراق به همراه شکاف‌های قومی - مذهبی در این کشور باعث شده است که اتحادی طبیعی و الزامی بین هر یک از گروه‌های اجتماعی عراق و بازیگران خارجی شکل بگیرد. این امر باعث افزایش تردید و بدبینی گروه‌های عراقی و طرف‌های خارجی برای دستیابی به توافقی پایدار درخصوص مسائل عراق شده است. آمریکا کردها را مهم‌ترین متحد قابل اعتماد در عراق تلقی می‌کند و کردها نیز به نوبه‌ی خود برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های خود چون فدرالیسم با آمریکا همکاری می‌کنند. ایران و گروه‌های شیعی (اسلام‌گرا) با توجه به سوابق، اهداف و قطب‌بندی قدرت منطقه‌ای، متحدین طبیعی و راهبردی یکدیگر محسوب می‌شوند. دولت‌ها و مردم عرب منطقه خواستار افزایش نقش و قدرت گروه‌های اعراب سنی بوده و از قدرتیابی شیعیان و برهم خوردن توازن قدرت منطقه‌ای نگران هستند. این نگرانی باعث حمایت سیاسی و عملی اعراب از شورش سنی‌های افراطی در عراق و افزایش خشونت‌های فرقه‌ای شده است.

دولت، جامعه و ثبات سیاسی در عربستان سعودی

ثبات سیاسی از اولویت‌های اصلی هر رژیم سیاسی می‌باشد که بخش عمده‌ای از آن به روابط دولت و جامعه مربوط است. ثبات سیاسی به محفوظ بودن یک رژیم از آسیب‌پذیری‌های داخلی معطوف به بقای نظام سیاسی اطلاق می‌شود. عوامل متعددی می‌تواند به تزلزل در ثبات سیاسی منجر شود و بی‌ثباتی سیاسی با در معرض تهدید قرار گرفتن یک رژیم یا نظام سیاسی به واسطه‌ی شاخص‌هایی چون؛ تغییر در نظام حزبی، تغییر در جایگاه نظامیان، تغییر ریاست قوه‌ی مجریه و ترمیم کابینه، کودتای ناموفق، شورش، حملات چریکی و تروریسم، اعتصابات و تظاهرات مشخص می‌شود. (آقابخشی، ۱۳۷۶: ۳-۳۳۰)

ثبات سیاسی در کشورهای توسعه یافته‌ی غربی به دلیل عواملی چون شکل‌گیری دولت - ملت و گذار دولت‌ها از بحران‌های پنج‌گانه؛ هویت، مشروعیت، نفوذ، مشارکت و توزیع در سطح نسبتاً بالایی است، اما کشورهای خاورمیانه اغلب در مرحله‌ی گذار به سوی توسعه یافتگی و تجربه‌ی بحران‌های یاد شده هستند و با تراکمی از این بحران‌ها مواجه‌اند که این امر باعث بی‌ثباتی سیاسی بسیاری در آنها شده است. هر چند که هر جامعه‌ای دارای تجربیات خاص خود می‌باشد، اما ماهیت اقتدارگرایانه‌ی نظام سیاسی و افزایش تدریجی تقاضای شهروندان برای مشارکت بیشتر در عرصه سیاسی از ویژگی‌های عمومی اغلب این کشورها محسوب می‌شود که منجر به تزلزل در ثبات سیاسی و افزایش تعارضات و چالش‌های درونی جوامع خاورمیانه می‌شود.

ساختار حاکمیت و جامعه‌ی عربستان سعودی

عربستان سعودی از جمله کشورهای عربی خاورمیانه است که دارای نظام سیاسی بسته پادشاهی و مبتنی بر مشروعیت وهابی و اقتصاد نفتی است. خانواده‌ی آل سعود از زمان تأسیس عربستان سعودی بر تمامی ارکان سیاسی و

اقتصادی حاکمیت دارد. بر اساس قانون اساسی عربستان پادشاه عالی‌ترین مقام سیاسی در این کشور است و از میان فرزندان عبدالعزیز بن سعود به قدرت می‌رسد. اعضای کابینه دولت توسط پادشاه انتخاب و منصوب می‌شود و تنها در قبال وی پاسخگو هستند. این مقامات اغلب از میان شخصیت‌های ارشد سعودی هستند. مجمع مشورتی نیز از سوی حکومت منصوب می‌شود و فرمانداران استان‌ها نیز از شاهزاده‌های سعودی هستند. (Jeriehow, 1998: 24)

حاکمیت در عربستان سعودی از سال ۱۹۳۲ در کنترل آل سعود بوده است و جامعه‌ی عربستان و گروه‌های اجتماعی در ساختار این کشور نقشی نداشته‌اند. در این کشور احزاب حق فعالیت ندارند و شهروندان نه تنها حق مشارکت در عرصه سیاست را ندارند، بلکه بسیاری از گروه‌ها و شهروندان نظیر زنان و شیعیان از حقوق اجتماعی اصلی خود نیز محروم بوده و همواره مورد تبعیض واقع شده‌اند. دولت سعودی سعی داشته است که با تعبیر و تفسیر حوادث و خاطرات گذشته، ضمن کسب مشروعیت سیاسی، این تصور را نهادینه کند که حکومت حق تاریخی سعودی‌هاست.

منطقه‌ی خاورمیانه طی دهه‌های گذشته منبع عمده‌ی تنش و بی‌ثباتی و جنگ نه تنها برای خود، بلکه برای تمامی جهان بوده است، اما حکومت سعودی نسبت به سایر کشورها و دولت‌های منطقه از ثبات و آرامش قابل توجهی برخوردار بوده است. عربستان سعودی در چارچوب الگوی دولت رانتیر (Rantier state) در پی افزایش امنیت اقتصادی و سیاسی خود با استفاده از درآمدهای نفتی بوده است و ایدئولوژی وهابیت را نیز به عنوان مبنای مشروعیت رژیم سیاسی خود قرار می‌دهد. (لی‌نورجی، ۱۳۸۳: ۷۸ و ۷۹)

اتکای دولت سعودی به درآمدهای نفتی و ایدئولوژی وهابیت به منظور کسب مشروعیت و امنیت در جهت تداوم بقای رژیم سیاسی منجر به احساس بی‌نیازی مقامات سعودی از مشارکت سیاسی شهروندان شده است.

شیعیان عربستان نسبت به سایر اعراب شیعی منطقه به کمترین میزان در

جامعه‌ی سنی ادغام شده‌اند. این گروه از شهروندان سعودی تنها شیعیانی هستند که در طول دهه‌های گذشته به صورت رسمی مورد تبعیض واقع شده‌اند. با وجود اینکه شیعیان عربستان بین ده تا بیست درصد جمعیت عربستان را تشکیل می‌دهند، دولت سعودی آنها را تنها حدود دو تا سه درصد جمعیت این کشور اعلام می‌کند. میزان نفی و سرکوب هویت شیعی در جامعه‌ی عربستانی در حدی بالا است که «گراهام فولر» در کتاب خود عنوان می‌کند؛ از تمام شیعیان در جهان عرب، شیعیان سعودی به درستی «مسلمانان فراموش شده» هستند. تبعیض مذهبی، فرهنگی، قانونی، اقتصادی و عدم مشارکت در حکومت از ابعاد و ویژگی‌های حیات سیاسی - اجتماعی شیعیان عربستان سعودی می‌باشد. (Fuller, 1999: 179-186)

در مجموع می‌توان گفت که دولت در عربستان به واسطه‌ی درآمدهای نفتی و ایدئولوژی وهابیت کنترل و هدایت کامل جامعه و گروه‌های اجتماعی را در دست داشته است. اتکا به نفت از دو جهت به دولت عربستان برای حفظ ثبات و امنیت کمک کرده است.

از یک سو دولت سعودی از درآمدهای نفتی برای ایجاد رفاه اقتصادی شهروندان و در جهت کسب حمایت و مشروعیت از سوی شهروندان استفاده کرده است و برای تداوم قدرت از مشارکت شهروندان در عرصه سیاست جلوگیری می‌کند. سعودی‌ها از منابع نفتی و جایگاه خود در تولید جهانی نفت برای پیوند پایدار با قدرت‌های جهانی چون آمریکا و تداوم قدرت، ثبات و امنیت خود استفاده می‌کنند. از این رو طی دهه‌های گذشته شرایط و عوامل یاد شده سطح بالایی از ثبات را برای دولت سعودی ایجاد نموده است.

اصلاحات و تغییر در عربستان سعودی

به رغم بهبود شرایط اقتصادی مردم و تحولات متعدد در ساختار اجتماعی عربستان طی دهه‌های گذشته، خواسته‌های مردمی و اقدامات حکومتی برای انجام اصلاحات ضعیف بوده است. دولت سعودی سعی در کنترل و سرکوب

جنبش‌های مخالف نظیر؛ جنبش العتیبی در سال ۱۹۷۹ در قبال تصرف مسجدالحرام و جنبش «بیداری اسلامی» داشت. طی دهه‌ی ۱۹۹۰ درخواست‌هایی برای اصلاحات سیاسی و اقتصادی از سوی گروه‌های اجتماعی مطرح شد. پس از وقوع حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱، درخواست‌های داخلی و فشارهای خارجی برای اصلاحات در عربستان افزایش یافت و جامعه سعودی شاهد برخی از اقدامات در این زمینه بوده است.

از مهم‌ترین نشانه‌های اجرای اصلاحات در عربستان سعودی طی چند سال اخیر می‌توان به اصلاح مجلس شورا، برگزاری انتخابات شهرداری‌ها، حمایت از سازمان‌های حقوق بشر و سندیکاهای حرفه‌ای، اصلاحات آموزشی و برگزاری کنفرانس‌های گفت‌وگوی ملی اشاره کرد. مجلس شورا شاهد دو تحول عمده شامل؛ ایجاد نوعی استقلال داخلی برای اعضا و عدم التزام به نقش مشورتی صرف مجلس شورا و تنوع در گرایش‌های سیاسی اعضا (حضور اصلاح‌طلبان لیبرال و اسلام‌گرایان میانه‌رو) بوده است.

انتخابات شهرداری‌ها، اولین انتخاباتی بود که از دهه‌ی ۱۹۶۰ در عربستان برگزار می‌شد و باعث طرح موضوع مشارکت سیاسی در اذهان عمومی و شکل‌گیری تشکل‌های انتخاباتی شد. در دو سال گذشته دولت عربستان سعودی موافقت خود را با تشکیل دو سازمان حقوق بشر در این کشور اعلام کرده است. همچنین از سندیکاهای حرفه‌ای حمایت کرده و به زنان اجازه داده تا به عنوان فعال سیاسی در هیئت مدیره این سندیکاها مشارکت کنند. (حمزاوی، شماره ۲۵: ۷۵-۷۱)

به نظر می‌رسد که اصلاحات در عربستان سعودی در حال ایجاد تغییرات و چالش‌هایی در روابط بین دولت و جامعه و تغییراتی در الگوی شهروندی در این کشور باشد، اما عمیق و جدی بودن این دگرگونی مورد شک و تردید قرار دارد. خاندان حاکم در عربستان کوشیده‌اند تا مفهومی خاص از شهروندی را در این کشور ایجاد نمایند. خاندان آل سعود اکنون در حال تقویت نسخه مورد نظر خود

از مفهوم شهروندی در عربستان است و بیشتر آن را به حوزه اجتماعی و اقتصادی مرتبط ساخته و از ابعاد سیاسی آن دوری می‌جوید. در تعریف رسمی دولت سعودی از «شهروندی»، ویژگی‌ها و عناصر سیاسی شهروندی وجود ندارد. رژیم ابعاد سیاسی شهروندی را به واسطه گرایش مردم به سوی ابعاد اجتماعی و اقتصادی آن نادیده گرفته و بی‌ارزش جلوه می‌دهد. اکنون گروه‌های اجتماعی مختلف روایت‌ها و تعاریف متقابلی از شهروندی ارائه می‌کنند که مخالف این گونه ارزش‌زدایی از ابعاد سیاسی شهروندی است و درصدد تبدیل «رعیت» به «شهروند» است. ملی‌گراها، اسلام‌گرایان و بسیاری از گروه‌های دیگر در پی جامعه‌ای هستند که به افراد هویت سیاسی و حق مشارکت در امور جامعه اعطا کند. (Okruhlik, 2005: 153-168)

این باور وجود دارد که اصلاحات در عربستان سعودی، پدیده‌ای واقعی در جهت ارائه‌ی تعریفی جدید از شهروندی و حقوق سیاسی - اجتماعی مردم نیست و اصلاحات نه تنها امری سطحی است بلکه حتی در جهت افزایش و حفظ قدرت خاندان حاکم صورت می‌گیرد. رژیم سعودی با صحبت درخصوص اصلاحات و برداشتن گام‌های کوچک در مقابل موج جدید چالش‌ها واکنش نشان می‌دهد. هدف سعودی‌ها صحبت درخصوص اصلاحات و استفاده از آن به عنوان شیوه‌ای دیگر برای حفظ قدرت است و نه پذیرش ارزش‌های دموکراتیک. برای نمونه انتخاباتی برای شهرداری‌ها برگزار شد، اما این شوراها فاقد قدرت هستند و نیمی از اعضای آن نیز انتصابی می‌باشند. (Around table Discussion, 2005: 185-186)

دولت طی دهه‌های گذشته کنترل کامل جامعه‌ی عربستان و هدایت آن را هدف اصلی خود قرار داده بود و طرح مباحثی نظیر حقوق سیاسی - اجتماعی شهروندی و مشارکت سیاسی جایگاهی نداشت. اما بعد از دهه‌ی ۱۹۹۰، بویژه طی چند سال اخیر نشانه‌هایی از اصلاحات و تغییر در مطالبات سیاسی - اجتماعی و مفهوم شهروندی قابل مشاهده است. هر چند دولت سعودی سعی دارد که از اصلاحات به عنوان شیوه‌ای جدید برای مقابله با چالش‌های داخلی و

فشارهای خارجی، حفظ قدرت خاندان حاکم و حفظ ثبات سیاسی در این کشور استفاده کند، ولی گروه‌های اجتماعی خواستار طرح مفهوم نوینی از شهروندی و گسترش حقوق سیاسی - اجتماعی مردم در مقابل دولت هستند و شرایط منطقه‌ای در این خصوص تأثیرگذاری فزاینده‌ای خواهد داشت.

دولت - ملت سازی در عراق و ثبات سیاسی عربستان سعودی

طرح مباحث اصلاحات و تغییر مفهوم شهروندی و افزایش مطالبات سیاسی - اجتماعی مردم در مقابل دولت در عربستان سعودی در چند سال اخیر با دگرگونی‌های عمده‌ای چون روند دولت - ملت‌سازی در عراق و پیامدهای ناشی از آن همراه بوده است.

دولت - ملت‌سازی در عراق با ابعاد و ویژگی‌هایی چون تغییر در ساختار قدرت و روابط دولت و جامعه و طرح الگوی دموکراتیک کشور داری، افزایش اختلافات قومی - مذهبی بین گروه‌های داخلی و افزایش نفوذ، نگرانی و حساسیت بازیگران خارجی، به عنوان محیط برون سیستمی عربستان بر ثبات سیاسی این کشور تأثیرگذار می‌باشد.

تغییر در مفهوم شهروندی و افزایش مطالبات جامعه

دولت - ملت‌سازی عراق باعث طرح مفهوم نوینی از شهروندی و الگوی دموکراتیک کشور داری در جهان عرب شد. شواهد و نشانه‌های موجود در عربستان سعودی حاکی از آن است که بخشی عمده‌ای از تحرکات سیاسی گروه‌های اجتماعی و شهروندان این کشور در جهت دستیابی به حقوق سیاسی و اجتماعی بویژه در میان شیعیان عربستان از تحولات عراق متأثر بوده است و با نهادینه شدن هنجارهای دموکراتیک و تقویت نهادها و ساختار سیاسی جدید این تأثیرگذاری افزایش بیشتری خواهد داشت.

تأثیرگذاری نوین حکومتی عراق بر شهروندان خاورمیانه بیش از همه در میان شیعیان عرب منطقه ظاهر شده است. حاکمیت اکثریت شیعی در عراق بر اساس رویه‌ها و قواعد مردم سالارانه باعث خود آگاهی و بیداری بیشتر شیعیان منطقه شده است و اکنون شیعیان عرب بعد از چندین دهه حاشیه‌نشینی از ساختار قدرت در پی مشارکت در نظام سیاسی هستند. با وجود این اندیشه و تصویری به نام «پان شیعیان» یا حتی رهبری واحد شیعی وجود ندارد و شیعیان هر کشور خواستار مشارکت و قدرت بیشتر در جامعه‌ی خود و بر مبنای قواعد و هنجارهای دموکراتیک هستند. از این رو آنها به عنوان شهروندان یک نظام سیاسی توسط قواعد و شیوه‌های دموکراتیک را عنصری برای کسب حقوق سیاسی و اجتماعی خود می‌دانند. (Nasr, 2005)

شیعیان عربستان از اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰، با خودداری از تلاش مبارزه‌طلبانه اولویت خود را دفاع از منافع جمعی خود در مقابل سایر گروه‌های فرقه‌ای و دولت در چارچوب نظام سیاسی سعودی قرار دادند. سلسله وقایع داخلی و خارجی چون حملات یازده سپتامبر، مبارزه‌ی تروریستی القاعده در شبه جزیره‌ی عربستان علیه پادشاهی این کشور و جنگ در عراق باعث تحولات جدید و مهمی شد. شیعیان اسلام‌گرا و سکولار - لیبرال در مواجهه با ابزار خشونت آشکار مبارزه جویان اسلام‌گرای سنی، به گروه‌هایی پیوستند که برای مقابله با موج فزاینده‌ی اسلام‌گرایی در داخل بر اصلاحات سیاسی و مذهبی پای می‌فشارند. برخی فعالان شیعی نیز به اعضای برجسته‌ی گروه اصلاح‌طلبی تبدیل شدند که در سال ۲۰۰۳ در صحنه‌ی سیاست ملی این کشور ظهور کرد. (گروه بحران بین‌الملل، ۱۳۸۴: ۲۱۰)

روند دولت - ملت‌سازی در عراق باعث تأثیراتی جدی و متفاوت در میان شیعیان عربستان شد. برخی از شیعیان سعودی فشار ناشی از آمریکا و تحولات عراق را عاملی برای کاهش سرکوب از سوی رژیم سعودی تلقی کردند و برخی

دیگر از این نگران شدند که با افزایش نگرانی از قدرت گرفتن تشیع مسیر اصلاحات محلی معکوس شود. چهارصد و پنجاه تن از شیعیان گروه‌های سیاسی مختلف در جست‌وجوی امتیاز از شرایط جدید و در عین حال دور کردن خود از اتهام عدم وفاداری به کشور بیانیه‌ای را صادر کردند. در این بیانیه به مشکلات کنونی جامعه‌ی شیعه و ضرورت تغییرات گسترده به منظور پایان دادن به تبعیض، اعطای آزادی بیشتر بری انجام مراسم عبادی و آزادی بیان، گسترش فرصت‌های سیاسی برای شیعیان و کاهش خصومت فرقه‌ای تأکید و عملاً بر تعهد امضا کنندگان بیانیه به ملت و در عین حال، ضرورت ایجاد مکانی امن‌تر برای شیعیان در کشور اصرار می‌کرد. (گروه بحران بین‌الملل، پیشین: ۲۱۰-۲۱۱)

مردم‌سالاری در عراق باعث شد که شیعیان عربستان در مقابل دولت تقاضای عمده‌ای را مطرح سازند و سعی رهبران شیعی چون «حسن الصفار» بر این بوده است که حقوق سیاسی و اجتماعی شیعیان با تأکید بر وفاداری به نظام سیاسی سعودی و در قالب مبانی دموکراتیک مبتنی بر حقوق شهروندی در مقابل دولت مطالبه شود. از این رو به رغم رنگ و بوی فرقه‌ای مطالبات شیعی در عربستان، تأکیدات اصلی بر ایفای حقوق سیاسی - اجتماعی بر مبنای الزامات شهروندی در یک جامعه‌ی دموکراتیک دولت - ملت‌سازی در مقابل دولت تکیه دارد. تأثیرپذیری شیعیان عربستان از الگوی دموکراتیک دولت - ملت‌سازی در عراق با فعالیت سایر گروه‌های اصلاح‌طلب و افزایش مطالبات سیاسی - اجتماعی آنها از دولت همراه بوده است.

در یک نگاه و ارزیابی کوتاه مدت و اولیه، این گونه به نظر می‌رسد که دولت - ملت‌سازی در عراق عمدتاً بر شیعیان عربستان تأثیرگذار است، اما واقعیت اساسی‌تر که در بلند مدت می‌تواند به تغییراتی بنیادین منجر شود، دگگونی در نوع روابط دولت و جامعه و تقویت مفهوم شهروندی و مطالبه از دولت است که به تدریج در سراسر جامعه‌ی عربستان گسترش خواهد یافت. این امر با توجه به مقاومت فزاینده‌ی بخش عمده‌ای از مقامات سعودی در برابر

مشارکت مردم و تغییر در ساختار قدرت در بلند مدت به بی‌ثباتی سیاسی در این کشور منجر خواهد شد.

افزایش چالش‌ها و تعارضات درونی

همان‌گونه که عنوان شد از ابعاد و ویژگی‌های عمده‌ی روند دولت - ملت‌سازی در عراق افزایش تنش‌ها و خشونت‌های فرقه‌ای و قومی در این کشور است. اما تنش‌ها و تعارضات درونی عراق تنها مربوط به خود این کشور نیست و نشانه‌هایی از انتشار تنفر گروهی و فرقه‌ای در بسیاری از کشورهای همجوار، همچون عربستان سعودی نیز قابل مشاهده است.

شیعیان عربستان اغلب از سوی بخش قابل توجهی از سنی‌های این کشور به عنوان «رافضی» شناخته شده‌اند و این تصور باعث ایجاد خصومت ضدشیعی شده است. جنگ در عراق و تصور همدستی شیعیان این کشور با آمریکا سبب افزایش این خصومت شده است و تفکر ضدشیعی حتی در میان مخالفان سنی رژیم سعودی نیز بسط یافته است.

عامل دیگری که باعث واکنش و خشم سنی‌های افراطی وهابی در مقابل شیعیان می‌باشد، آزادی مناسک مذهبی است. عبدالله پادشاه عربستان به منظور جلوگیری از مبارزه‌ی فراگیر و خشونت‌بار شیعیان این کشور با تأثیرپذیری از تحولات عراق، به اعطای برخی از امتیازات و آزادی‌های مذهبی به آنها چون؛ ساختن مساجد، برگزاری جشن‌ها و مراسم مذهبی و انتشار کتب شیعی اقدام کرده است. از جمله اقدامات دیگر می‌توان به محدودیت اظهارات ضدشیعی در مساجد توسط وزارت امور مذهبی عربستان سعودی اشاره کرد. (www.news.ft.com)

هم زمانی تغییر وضعیت سیاسی - اجتماعی شیعیان با افزایش فعالیت‌های ضدشیعی القاعده و نوسلفی‌های وهابی، باعث گرایش بسیاری از شهروندان افراطی سعودی به شورشیان عراقی شده است، به طوری که برآورد می‌شود حدود ۱۲ درصد از جهادیون خارجی فعال در عراق را شهروندان سعودی تشکیل می‌دهند و

هر جنگجو نیز با خود حدود ۱۰ تا ۱۵ هزار دلار برای حمایت از شورش وارد عراق می‌کند. این افراد از تمام عربستان و اغلب از خانواده‌های طبقه‌ی متوسط هستند. (cordesman, 2005) چشم‌انداز بازگشت جنگجویان در عراق حتی می‌تواند تنش‌های شیعی - سنی در جامعه‌ی عربستان را افزایش دهد. در مجموع به نظر می‌رسد که تنش‌های فرقه‌ای ناشی از دولت - ملت‌سازی در عراق باعث افزایش اختلافات و تعارضات در جامعه عربستان شده است. در صورت افزایش تنش و تعارض، ثبات سیاسی در این کشور در معرض خطر قرار خواهد گرفت و این چیزی است که مقامات سعودی همواره از آن اظهار نگرانی کرده‌اند.

برداشت و رویکرد مقامات سعودی

اغلب دولت‌های عربی در قبال روند دولت - ملت‌سازی در عراق و تحولات متأثر از آن دیدگاهی منفی و توأم با شک و تردید دارند. با توجه به حضور اقلیت شیعی سعودی در جوار مرزهای عراق، حساسیت‌ها و تنش‌های شیعه - سنی در این کشور و ساختار سیاسی اقتدارگرای عربستان سعودی، مسئله دولت - ملت‌سازی در عراق را برای رهبران سعودی از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار نموده است. علاوه بر این مورد، پیامدهای ناشی از تحولات عراق برای «توازن قدرت منطقه‌ای» برای سعودی‌ها اهمیت بسیار دارد، چرا که عربستان سعودی از کشورهایی است که سعی دارد که در منطقه‌ی خاورمیانه به قدرتی بدون رقیب و منطقه‌ای تبدیل شود.

اولویت اساسی سعودی‌ها در عرصه‌ی کشور داری ثبات می‌باشد و تحولات عراق، عربستان را در خصوص بی‌ثباتی‌ها در مرزهای شمالی خود و انتشار بی‌ثباتی به داخل این کشور نگران کرده است. نکته‌ی دوم؛ دموکراسی‌سازی در عراق است. هر چند سعودی‌ها به موفقیت دموکراسی در عراق اعتقاد اصولی ندارند، اما فشارهای داخلی و خارجی ناشی از دموکراسی‌سازی در عراق آنها را به چاره‌جویی برای حفظ قدرت سیاسی در قالب‌ها و شیوه‌هایی جدید واداشته

است. اظهارات «سعود الفیصل» در خصوص ایجاد فضای سیاسی دولت - ملت‌سازی در عراق نگران‌کننده است و از این منظر ایجاد یک دموکراسی تحت حاکمیت شیعیان برای آنها اهمیت ویژه‌ای دارد. (Joseph mc Millan)

مسئله‌ی نگران‌کننده‌ی دیگر برای مقامات عربستان سعودی «افزایش نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران» در نتیجه روند دولت - ملت‌سازی در عراق است که باعث بر هم خوردن توازن قدرت منطقه‌ای به ضرر کشورهای عربی است. روابط رو به پیشرفت دولت جدید عراق با ایران، این نگرانی‌ها را افزایش داده و به شک و تردیدهای سران سعودی افزوده است.

علاوه بر آن؛ پیروزی حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه در قبال رژیم اشغالگر و تحولات لبنان - که در مجموع توازن قدرت را در منطقه به نفع ج.ا.ایران رقم زده - بر نگرانی سعودی‌ها افزوده است و از همین رو بود که در زمستان ۱۳۸۵ عربستان سعودی در اقدامی فعال و با حمایت آمریکا و کشورهای غربی، برای عقب‌نماندن از غافله و میدان‌داری بیشتر در جهان عرب، اجلاس موسوم به «اجلاس مکه» را برای ایجاد همگرایی بین گروه‌های فلسطینی برگزار نمود.

در مجموع، برداشت منفی و توأم با نگرانی و تردید دولت سعودی در قبال روند دولت - ملت‌سازی در عراق منجر به رویکرد غیردوستانه و غیرمشارکتی این کشور در قبال عراق جدید شده است و حتی این نظر مطرح می‌شود که سعودی‌ها با حمایت‌های مختلف از اعراب سنی و شورشیان عراق، سعی در به شکست کشاندن روند دولت - ملت‌سازی در این کشور دارند.

نتیجه‌گیری

با وجود اینکه خاورمیانه از بی‌ثبات‌ترین و پیش‌بینی‌ناپذیرترین مناطق جهان به شمار می‌رود، عربستان سعودی از جمله کشورهایی بوده است که طی دهه‌های گذشته با تکیه بر درآمدهای نفتی و ایدئولوژی وهابیت دارای سطح بالایی از ثبات سیاسی بوده است. طی دهه‌ی گذشته عوامل چندی باعث ایجاد تغییراتی در

ثبات سیاسی این کشور شده است که روند دولت - ملت‌سازی در عراق از مهم‌ترین آنها بوده است.

روند دولت - ملت‌سازی در عراق به واسطه‌ی ایجاد الگوی دموکراتیک کشورداری و تغییر مفهوم شهروندی در جهان عرب و همچنین افزایش تنش‌های گروهی و نفوذ بازیگران خارجی در این کشور منجر به ایجاد تزلزل در ثبات سیاسی عربستان شده است. ایجاد دگرگونی در مفهوم شهروندی و روابط دولت و جامعه و در نتیجه تعمیق و تقویت مطالبات مردمی بویژه در میان شیعیان و افزایش تنش‌ها و تعارضات داخلی شیعه - سنی در عربستان سعودی از مهم‌ترین پیامدهای روند دولت - ملت‌سازی در عراق برای سعودی‌ها بوده است. این تحولات از عوامل تأثیرگذار بر ثبات سیاسی عربستان است و با پیشرفت روند دولت - ملت‌سازی در عراق احتمال تزلزل و دگرگونی در ثبات سیاسی عربستان سعودی نیز افزایش می‌یابد.

با توجه به اولویت حفظ قدرت، امنیت و ثبات برای دولت عربستان سعودی، روند دولت - ملت‌سازی در عراق باعث احساس نگرانی و تهدید مقامات سعودی و در نتیجه رویکرد منفی آنها در قبال واقعیت‌های سیاسی جدید در عراق شده است. برداشت دولت سعودی حاکی از چالش‌آفرینی روند دولت - ملت‌سازی برای رژیم سیاسی و انسجام اجتماعی این کشور است، از این رو، در خصوص سیاست‌ها و رویکرد این کشور در قبال عراق جدید احتمال تداوم رویکرد منفی و مخالفت‌آمیز و مقاومت در قبال روند دولت - ملت‌سازی در عراق و حتی حمایت از تلاش‌های معطوف به شکست این روند نسبت به سایر گزینه‌ها بیشتر بوده و می‌باشد.

منابع

- 1 - Kazemi, Ali-Asghar, "The Dilema of Nation-Building and State Formation in the Post-Saddam Iraq", Journal of law and politics Vo.1, No. 2, summer 2005.
- 2 - Dobbins, James, Americans Role in Nation-Building: From Germany To Iraq, RAND corporation, 2003.
- 3 - Feldman, Noah, "Power Struggle, Tribal Conflict or Religious war"? Time Magazine, February, 26/2006.
- 4 - Nasr, Vali, "When the Shiites Rise", Foreign Affairs, July/August 2006.
- 5 - Lynch, Marc, Responses to "what to Do in Iraq: A Round table", (july 11, 2006), <http://WWW.Foreignaffairs.org/special/YoungTable-Lynch>.
- 6 - Patrick clowson, "Iraq's Future: A Concept Paper", The Middle East Review of International Affairs (meria), volume 10, No.2.June 2006.
- ۷ - اسدی، علی‌اکبر، «آمریکا و گروه‌های اجتماعی عراق»، فصلنامه‌ی مطالعات منطقه‌ای، جهان اسلام، سال ششم، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۸۴.
- 8 - Beehner, Lionel, "Iraqs Meddlesome Neighbors", August 31 2006. www.cfr.org
- ۹ - آقابخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۶.
- 10 - Jeriehow, Anders, The Saudi File: People, Power, Politics, Curzon press, 1998.
- ۱۱ - لی‌نورجی، مارتین، چهره جدید امنیت در خاورمیانه، ترجمه قدیر نصری، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.
- 12 - Fuller, Graham E., and Rend Rahim Francke, The Arab Shia, The Forgotten Muslims, Macmilan Press 1999.
- ۱۳ - حمزاوی، عمرو، «اصلاحات سیاسی در عربستان سعودی: حال و آینده»، ترجمه

- محمدرضا بلوردی، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، جهان اسلام . سال هفتم ، شماره ۲۵، بهار.
- 14 - Okruhlik, Gwenn, "The Irony of Islah (Reform)", Washington Quarterly, Autumn 2005.
- 15 - A Round Table Discussion , "The State of Democracy in Middle East States, "Middle East Review in International Affairs, Vol. 9.No.3 (September 2005).
- 16 - Nasr, Vali, Sunni vs. Shiite: Religious Rivalry in Iraq and Beyond, November 2005, www. Cfr.org.
- ۱۷ - گروه بحران بین‌المللی، «شیعه در عربستان سعودی»، ترجمه پرویز دلیرپور، فصلنامه‌ی مطالعات منطقه‌ای، جهان اسلام، سال ششم، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۸۴.
- 18 - www.news.ft .com/cms/s/7534 c 1 dz-dboa-11da-aa09-0000 779e 23 40.html.
- 19 - Cordesman, Anthony, Saudi Militants in Iraq : Assesment and Kingdoms Response, (September 19.2005) www.esis.org.
- 20 - McMillan, Joseph, Saudi Arabia and Iraq: Oil, Religion and Enduring Rivalry, United States InSTITUTE of Peace.